

## زبان عربی

\*\*\* عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ:

۱- «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»:

- ۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!
- ۲) به راه خدای خود به وسیله دانش و پند نیکو فراخوان، و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!
- ۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هر چه نیکوتر است مجادله کن!
- ۴) فرا خواندن به راه خدای خود را از طریق پند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه‌ای بهتر مقابله کن!

۲- «إِذَا نَعِيبَ عَمَلٍ أَحَدٍ ثُمَّ فَهَمَهُمْ أَنَّا كُنَّا مَخْطِئِينَ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَعْتَذِرَ مِنْهُ مُعْتَرِفِينَ بِذَلِكَ، وَهَذَا دَلِيلٌ عَلَى شَجَاعَتِنَا»:

- ۱) آنگاه که عیب کار کسی را بگیریم و بفهمیم که خودمان خطاکار بودیم، باید اعتراف کرده عذرخواهی کنیم، که این دلیل بر شجاعتمان است!
- ۲) وقتی از کار فردی عیب می‌گیریم سپس می‌فهمیم که خطاکار بودیم، باید ضمن اعتراف به آن، از او معذرت‌خواهی کنیم، و این دلیلی بر شجاعت ماست!
- ۳) اگر عمل کسی را عیب بدانیم آنگاه بفهمیم که خطا کرده‌ایم، بر ما واجب است معذرت‌خواهی کرده اعتراف کنیم، که این دلیلی بر شجاعت ما می‌باشد!
- ۴) هرگاه از عمل کسی عیب‌جویی کنیم، آنگاه بفهمیم که ما خطاکاریم، حتماً باید به خاطر آن عذرخواهی کنیم درحالی‌که به آن اعتراف کننده‌ایم، و این دلیلی بر شجاعتمان خواهد بود!

۳- «إِنَّ عَقَائِدَنَا هِيَ الَّتِي تَدْعُونَا إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ أَوْ أَسْوئِهَا وَتُبْعِدُنَا مِنَ الْخَيْرِ أَوْ الشَّرِّ»:

- ۱) همانا این عقاید ماست که ما را به بهترین اعمال یا بدترین آن دعوت می‌کند و ما را از خوبی و بدی می‌راند!
  - ۲) عقاید ماست که ما را دعوت به اعمال نیک یا زشت‌ترین آنها می‌کند و ما از خوب بودن و بد بودن دوری می‌کنیم!
  - ۳) همانا عقاید ماست که برای ما خوب‌ترین کارها و زشت‌ترین آنها را می‌خواند و ما از خوبی و بدی دوری می‌کنیم!
  - ۴) بی‌تردید عقاید ماست که ما را به نیکوترین کارها یا بدترین آنها فرا می‌خواند و ما را از خوبی یا بدی دور می‌کند!
- ۴- «عَلَيْنَا أَنْ نَسْتَفِيدَ مِنْ تَجَارِبِ النَّاجِحِينَ بِأَنَّهُمْ كَيْفَ وَاجْهُوا الصَّعُوبَاتِ وَ نَهَضُوا بَعْدَ السَّقُوطِ وَ اسْتَمَرُّوا عَلَى سُلُوكِهِمْ حَتَّى النَّجَاحِ»: ما باید از تجارب انسان‌های موفق .....

- ۱) بهره ببریم به اینکه چطور با مشکلات روبه‌رو شدند و بعد از افتادن برخاستند تا به راه خودشان تا موفقیت ادامه بدهند!
- ۲) استفاده کنیم که چگونه با سختی‌ها روبه‌رو شده‌اند و بعد از سقوط برخاسته‌اند و روش خود را تا پیروزی، ادامه داده‌اند!
- ۳) بهره‌مند شویم بدین‌گونه که با دشواری‌ها چگونه مواجه می‌شوند و بعد از سقوط کردن برمی‌خیزند و بر رفتارشان تا پیروزی باقی مانده‌اند!
- ۴) استفاده نماییم که آنها با مشکلات چطور برخورد کرده‌اند و بعد از افتادن چگونه بلند شده‌اند و چگونه بر سلوک خود تا پیروز شدن باقی می‌مانند!

۵- «لَا قُوَّةَ تَقْدِرُ أَنْ تُنْقِذَنَا مِنْ خِرَافَاتٍ نَعِيشُ مَعَهَا إِلَّا التَّفَكُّرُ»:

- ۱) هیچ نیرویی که بتواند زندگی ما را از خرافه‌هایی که به آن زنده‌ایم، برهاند، جز اندیشه نیست!
- ۲) جز تفکر، قدرتی نیست که قادر باشد ما را نجات دهد از اینکه با خرافات زندگی نماییم!
- ۳) فقط قدرت اندیشیدن است که می‌تواند ما را از خرافه‌هایی نجات دهد که با آن زنده‌ایم!
- ۴) نیرویی که می‌تواند ما را از خرافاتی که با آن زندگی می‌کنیم، رها سازد، فقط تفکر است!

۶- «كَادَ الْمَعْلَمُ يَبْدَأُ تَدْرِيسَهُ إِذْ دَخَلَ الصَّفَّ أَحَدُ الطَّلَابِ وَقَطَعَ كَلَامَ الْمَعْلَمِ وَ هُوَ خَجَلٌ مِنْ تَأَخَّرِهِ»:

- ۱) معلم تدریسش را شروع می‌کرد که یکی از دانش‌آموزان با شرمندگی از تأخیر خود، وارد کلاس شد و سخن معلم را برید!
- ۲) نزدیک بود معلم درس خویش را آغاز کند که دانش‌آموزی ناگهان داخل کلاس شد و کلام معلم را با خجالت از دیرکردنش قطع نمود!
- ۳) نزدیک بود معلم درس خود را آغاز نماید زمانی‌که یک دانش‌آموز به کلاس داخل شد و سخن معلم را برید و او از تأخیر خویش شرمند شد!
- ۴) معلم تدریس خود را داشت شروع می‌کرد، که ناگهان یکی از دانش‌آموزان وارد کلاس شد و درحالی‌که از تأخیر خود شرمند بود سخن معلم را قطع کرد!

٧- «لَمَّا وَصَلْتُ إِلَى الْمَلْجَأِ الْمُقَدَّسِ الَّذِي كَانَ يَفِغُ فَوْقَ جَبَلٍ مَرْتَفِعٍ رَأَيْتُ أَنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَيْهِ إِلَّا مَنْ لَهُمْ قُوَّةٌ أَكْثَرُ»:

- (١) وقتی به پناهگاه مقدس که بالای کوه بلندی قرار داشت رسیدم دیدم که فقط کسانی که قدرت بیشتری دارند به آن می‌رسند!
- (٢) هنگامی که به آن پناهگاه مقدس که بالای کوهی بلند واقع است رسیدم، دیدم کسانی که نیروی بیشتر دارند تنها به آن می‌رسند!
- (٣) هنگام رسیدن به پناهگاه مقدسی که در بلندی کوه مرتفع واقع است، دیدم فقط کسانی که قدرت بیشتری دارند، به آن می‌رسند!
- (٤) وقتی به آن پناهگاه مقدس رسیدم که در بلندی کوه مرتفعی قرار داشت، کسی را ندیدم که به آنجا برسد مگر کسانی که نیروی بیشتری داشتند!

٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (١) لن تكون الحياة دون نقص ولكنها جميلة دائماً: زندگی را هرگز بدون نقص نخواهی یافت، ولی همیشه زیباست!
- (٢) ذهبنا إلى غابة و رأينا هناك آيات ربنا الكبرى: به جنگلی رفتیم و در آنجا نشانه‌های پروردگار بزرگمان را دیدیم!
- (٣) طوبى لمن يجتنب الكذب و إن كان للمزاح: خوشا به حال کسی که از دروغ گفتن دوری می‌کند، اگرچه برای مزاح باشد!
- (٤) إن العين لا تدور في اتجاهين إلا في بعض الحيوانات كالحرباء: چشم بعضی حیوانات مثل حرباء در دو جهت مختلف می‌چرخد!

٩- عَيْنُ الْخَطَا:

- (١) إن نأخذ من أموالنا تنقص بمرور الأيام: اگر از اموالمان برداشت کنیم به مرور زمان کم می‌شود،
- (٢) و لكن عندما نعطى الآخرين من علمنا و نعلمهم: ولی هنگامی که به دیگران از علممان می‌دهیم و به آنها آموزش می‌دهیم،
- (٣) يكثر علمنا، لأن في التعليم تكرر الدرس لأنفسنا: علممان زیاد می‌شود، زیرا در آموزش دادن تکرار درس است برای خودمان،
- (٤) فالعلم أحسن من المال لأنه لا زوال له! پس علم قطعاً از مال بهتر است و علم از بین نمی‌رود!

١٠- «عالم‌ترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود!» عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (١) أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه.
- (٢) الأعلام الناس من قد يجمع على علمه علم الناس.
- (٣) الأعلام من الناس الذي يجمع علم الناس إلى علمه.
- (٤) أعلم من الناس هو الذي قد جمع إلى علمه علم الناس.

✻ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَاسِبُ النَّصَّ:

عندما يقوم الإنسان باختيار الأصدقاء، فعليه أن يستفيد من حوادث حياته و يكتسب منها تجارب، و هذا الأمر يُسبب أن يُفكر في الأخطاء التي وقع فيها و المساعي التي بذلها للخروج منها، فالعاقل يأخذ منها دروساً تمنعه من تكوين صداقات مع الذين ليسوا مهذبين و صادقين فيما يدعون!

و على الإنسان أن يعلم أنه في أوقات الراحة و السعادة و السرور من السهل الحصول على العديد من الأصدقاء المختلفين، فإن هذه المجالات تجعل إيجاد العلاقات أكثر سهولة، ولكنها لا تُعرفنا على الصديق الحقيقي الذي يُمكن الاعتماد عليه؛ فإن الذين يقفون عند أصدقاتهم في الصعوبات هم الذين نعدّهم أوفياء و يُمكن أن نتخذهم شركاء في حياتنا!

١١- عَيْنُ الصَّحِيحِ: أحد الطُّرُق الَّذِي هُوَ أَكْثَرُ أَهْمِيَّةٍ فِي مَجَالِ كَشْفِ الْأَصْدِقَاءِ الْحَقِيقِيِّينَ هُوَ .....

- (١) أن نجعل الماضي عبرة للمستقبل.
- (٢) أن الاختبار لا يُعرفنا الصَّحِيحَ مِنَ السَّقِيمِ.
- (٣) أن لا نتخذ صديقاً في أيام الرخاء و الراحة.
- (٤) أن الأصدقاء الأوفياء لا يبقون مع الإنسان في الشدائد.

١٢- ما الذي يُبعدنا عن اتخاذ أصدقاء السوء؟ عَيْنُ الْخَطَا:

- (١) السعي وراء ما يقوم به الناس و متابعتة في حياتنا.
- (٢) العلم بأن الحوادث تتكرر، فالعاقل هو الذي لا يعبر منها غافلاً.
- (٣) تحليل الماضي و التدقيق فيما فعلنا في مجال الصداقة حتى لا نكرر أخطأنا.
- (٤) الاعتقاد بأن في الحياة دروساً علينا أن نتخذها سراجاً أو مصباحاً في أعمالنا.

### ١٣- عَيِّن المناسب لعنوان النص:

- (١) أدب الصديق خير من ذهبه.  
(٢) العاقل لا يخسر من أمر مرتين.  
(٣) الصديق هو المفتاح لكل باب مُغلق.  
(٤) صدور الأصدقاء قبور الأسرار.

### ١٤- عَيِّن الأنسب حسب النص:

- (١) المرء امرأة أخيه.  
(٢) يُعرف الأصدقاء عند الحاجة.  
(٣) إن الطيور على أشكالها تطير.  
(٤) الصديق لنا و كل نِعَم الجنة لكم.

### \*\* عَيِّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

#### ١٥- «يكتسب»:

- (١) فعل مضارع - للغائب - ماضيه «اكتسب» على وزن افتعل / فعل و مع فاعله جملة فعلية  
(٢) للغائب - مصدره «اكتساب» من وزن انفعال - معلوم / مع فاعله جملة فعلية، و مفعوله «تجارب»  
(٣) فعل مضارع - صيغته مفرد مذكر غائب - له حرفان أصليان و حرفان زائدان / مع فاعله جملة فعلية  
(٤) مضارع - حروفه الأصلية «ك س ب» و له حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و فاعله «تجارب»

#### ١٦- «يُفكِّر»:

- (١) للغائب - حروفه الأصلية «ف ك ر» و ليس له حرف زائد / فعل و مع فاعله جملة فعلية  
(٢) صيغته للمفرد المذكر الغائب - مجهول - مصدره «تفكير» على وزن أو من باب «تفعيل»  
(٣) فعل مضارع - لغائب - ماضيه «فكّر» على وزن فعل، مصدره «تفكّر» من باب «تفعل»  
(٤) مضارع - حروفه الأصلية «ف ك ر» و له حرف زائد واحد / فعل و مع فاعله جملة فعلية

#### ١٧- «الاعتماد»:

- (١) اسم - مفرد مذكر - معرّف بأل - حروفه الأصلية «ع م د» و وزنه «افتعال» / مضاف إليه  
(٢) اسم - مصدر من وزن «افتعال» و الماضي منه «اعتمد» على وزن «افتعل» / فاعل لفعل «يُمكن»  
(٣) مفرد مذكر - مصدر من باب «افتعال» مضارعه «يعتمد» و أمره «اعتمد» - نكرة / فاعل لفعل «يُمكن»  
(٤) مفرد مذكر - معرّف بأل - مصدر على وزن «افتعال» و حروفه الأصلية «ع م د» / مفعول لفعل «يُمكن»

### \*\* عَيِّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

#### ١٨- عَيِّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (١) ثَمْرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ.  
(٢) عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.  
(٣) تُؤَدِّي الدَّلَافِينَ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.  
(٤) الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْأَسْتَوَائِيَّةِ.

#### ١٩- عَيِّن الصحيح:

- (١) الْعُمَلَاءُ: هُمُ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ لِرَاحَةِ النَّاسِ.  
(٢) الْحَنِيفُ: هُوَ الَّذِي لَا يَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ الْوَاحِدَ.  
(٣) الْبُحَيْرَةُ: يَدْخُلُ مَاءُ الْأَنْهَارِ فِيهَا وَ هِيَ أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ.  
(٤) يَوْمُ الْخَمِيسِ: الْيَوْمُ السَّادِسُ مِنَ الْأَسْبُوعِ وَ قَبْلَهُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ.

#### ٢٠- عَيِّن ما فيه المتضاد:

- (١) هَذِهِ الْقَرْيَةُ قَرِبَ الْمَدِينَةِ وَ يَعْمَلُ أَكْثَرُ النَّاسِ فِيهَا بِالزَّرْعَةِ.  
(٢) الْيَوْمَ إِشْتَرَتِ الْأُمُّ لِبَاسًا رَخِيصًا لَوْلَدِهَا بِمُنَاسَبَةِ يَوْمِ مِيلَادِهِ.  
(٣) فِي بَدَايَةِ الْأَمْرِ لَمْ يُشَاهِدْ تَقَدُّمًا فِي عَمَلِهِ وَلَكِنَّهُ فِي النِّهَايَةِ نَجَحَ.  
(٤) صَارَتْ هَذِهِ الطَّالِبَةُ نَاجِحَةً وَ أَصْبَحَ وَالِدَاهَا مَسْرُورِينَ وَ أُعْطِيَاهَا جَائِزَةً.

#### ٢١- عَيِّن ما ليس فيه نون الوقاية:

- (١) إِحْمَنِي وَ وُلِدِي الصَّغِيرِ يَا أَخِي الْكَبِيرِ.  
(٢) أَعْتَى يَا زَمِيلِي الْحَنُونِ فِي حَلِّ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ.  
(٣) لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكَ فِي هَذِهِ الْحَادِثَةِ حَتَّى أَسَاعِدَكَ.  
(٤) أَغْنَى مِنَ الْقِنَاعَةِ لَا يَجِدُ النَّاسُ كَنْزًا فِي حَيَاتِهِمْ.

٢٢- عَيَّن ما ليس فيه «الحال»:

- (١) لا تتسامحوا و أنتم تحسبون أن لكم فرصة كثيرة.  
(٢) لأنكم إذا تبدؤون بالعمل و هو يحتاج إلى زمان.  
(٣) لا تجدون الفرصة كثيرة و هي قليلة و قصيرة دائماً.  
(٤) فيجب أن تستفيدوا من الفرصة و لو كانت قليلة.

٢٣- عَيَّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أكبر حيوان نراه حولنا هو الفيل.  
(٢) يجب أن نرى الآخرين أحسن منا.  
(٣) أحسن إلى الناس كما تريد أن يُحسنوا إليك.  
(٤) أكره الأعمال لقطع التواصل بين الناس هو الغيبة.

٢٤- عَيَّن الصحيح عن «لا» النافية للجنس:

- (١) لا حياة و عفاف و أدب إلا لعقل ثابت.  
(٢) لا العزة إلا لربنا الرحيم الذى له كل شىء.  
(٣) لا أتذكر زمان ذهبنا إلى تلك الجولة العلمية.  
(٤) لا شعب من شعوب العالم إلا و له طريقة للعبادة.

٢٥- عَيَّن عبارة ما جاء فيها المفعول:

- (١) تعيش البومة فى الغابة و عينها ثابتة  
(٢) من خلق السموات و الأرض فى ستة أيام  
(٣) يرفع العمل الصالح درجة الإنسان  
(٤) قبل ذوالقرنين هدايا الناس باحترام